

- شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۱**
- سال سی‌دهم - شماره ۲۴۱۸**

سیهرغرب، گروه خانواده – عطیه صفی‌زاده؛ یک روان‌شناس اجتماعی با بیان اینکه الفبای والدین و فرزندان به‌دلیل وجود فضای دیجیتال با یکدیگر فرق کرده گف‌ت؛ در این راستا والدین باید برای رسیدن به یک زبان مشترک با نسل جدید، علم و آگاهی خود را افزایش دهند.

شاید بارها این کلمه را در جامعه شنیده‌ایم که دهه هشتادها با کل نسل‌ها فرق می‌کنند و گاهی به‌دلیل ناآگاهی به آن‌ها برچسب‌های مختلف و نادرست می‌زنیم، در واقع اواخر دهه ۷۰ بود که نسل جدید به نام z شکل گرفت، نسلی که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها خو گرفتن با فناوری جدید است و این امر تعامل را با آنان کمی سخت کرده است.

تربیت فرزندان در هزاره سوم علاوه بر نیاز به مهارت‌های تربیتی و روان‌شناسی رایج در دوره‌های گذشته به مهارت جدیدی تحت عنوان سواد فضای مجازی نیاز دارد و کودکان و نوجوانان امروز بخش مهمی از زندگی خود را در شبکه‌های اجتماعی یا تعامل با بازی‌های ویدیوئی می‌گذرانند پس والدین عصر دیجیتال نیاز دارند تا مهارت‌های متناسب فرزندپروری در عصر دیجیتال را نیز فرا گیرند.

در این خصوص با یک روان‌شناس اجتماعی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:
علیرضا شریفی‌یزدی با بیان اینکه نظرات این نسل بر خلاف نسل‌های گذشته مهم تلقی می‌شود، اذعان کرد: خانواده در کوچک‌ترین کارها نظرات این کودکان را جویا می‌شوند به همین دلیل از عزت و اعتماد به‌نفس بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند.

وی با بیان اینکه شعار من می‌توانم در این

نوجوانان پررنگ‌تر است، اذعان کرد: به‌دلیل اینکه این افراد ارتباط و تعامل زیادی با شبکه‌های اجتماعی برقرار کرده‌اند مغز آن‌ها الگوریتم‌های اجتماعی پیچده‌تری را سازماندهی می‌کند.
وی با بیان اینکه با پیچده بودن الگوریتم‌های اجتماعی، این افراد نسبت به نسل‌های گذشته در حوزه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دغدغه‌مندتر عمل می‌کنند، افزود: تغییر سبک زندگی و تربیت آن‌ها باعث شده که این افراد با امیال و نیازهای فیزیکی خودشان نسبت به نسل‌های دیگر راحت‌تر کنار بیایند.
این روان‌شناس اجتماعی مسئله‌پذیری کمتر نسل z را نسبت به سایر نسل‌ها از دیگر تفاوت‌های گروه دانست و خاطرنشان کرد: دیگر با زبان زور و تحمیل نمی‌توان با آن‌ها صحبت کرد، بنابراین نسبت به دیگران زودتر دچار بلوغ می‌شوند.

شریفی‌یزدی بیان کرد: تقریباً در طول تاریخ ایران، نوجوانانی با ویژگی این نسل نداشتیم، به عبارتی آن‌ها دارای ویژگی بی‌نظیری مثل استقلال، مطلع، متکی به خود و دغدغه‌مند هستند.
وی با بیان اینکه در این نسل تعریف ارزش‌ها و هنجارها متفاوت است، عنوان کرد: در گذشته افراد تحت تأثیر والدین و مربیان خود ارزش‌ها و هنجارها را تعیین می‌کردند اما نسل جدید این دو مؤلفه را از طریق فضای مجازی و دوستان خود دریافت می‌کنند.

این روان‌شناس اجتماعی با بیان اینکه انتقال ارزش و هنجار به نسل جدید به‌شدت دچار مشکل شده است، عنوان کرد: در واقع این افراد منابع ارزشی و هنجارشکنی متفاوتی نسبت به گذشته دارند.

سیهرغرب، گروه خانواده؛ بدون تعارف، این روزها بسیاری از سلبریتی‌ها با زندگی سرتاسر پوشالی و ساختگی‌شان در فضای مجازی افسار زندگی نوجوان‌هایمان در زندگی حقیقی را به دست گرفته‌اند. اوضاع به سمتی پیش می‌رود که برخی از این نوجوان‌ها به تقلید بی سر و صدا از آن‌ها رضایت نمی‌دهند و در پارک‌ها

می‌شود، اذعان کرد: خانواده در کوچک‌ترین کارها نظرات این کودکان را جویا می‌شوند به همین دلیل از عزت و اعتماد به‌نفس بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند.
وی با بیان اینکه شعار من می‌توانم در این

نوجوانان پررنگ‌تر و معروف‌تر بهتر؛ این قانون نانوشته این روزهای جامعه و البته فضای مجازی برای سلبریتی شدن و افرادی است که بدون هیچ دستاوردی، نامشان بر سر زبان‌ها افتاده است. افرادی که شاید نهایت هنرشان،

ظاهر سرتا پا گرانتیمت و مارک‌دارشان باشد که می‌توانند دل هر نوجوانی را بلرزاند و رؤیای شبیه به آن‌ها شدن را در سرش بپورانند. اما چه می‌شود که نوجوان‌ها و جوان‌هایمان تا به این اندازه غرق در سبک زندگی اصطلاحاً سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرهایی با زندگی پوشالی می‌شوند؟ شاید چون قهرمان بهتری به آن‌ها معرفی نکرده‌ایم.

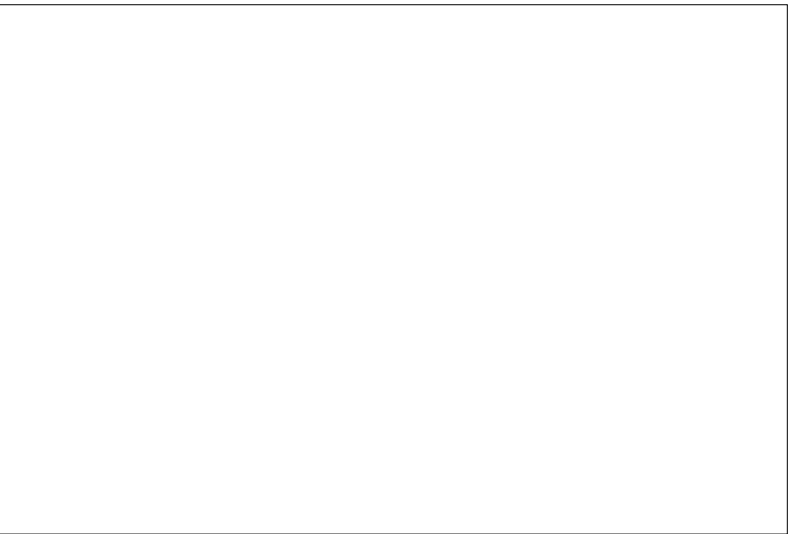
***آقای دکتر در چند سال گذشته به خودمان که آمدم نوجوان‌ها و جوان‌هایمان را غرق در رویای زندگی مشابه با سلبریتی‌ها دیدیم. آن‌ها عکس سلبریتی‌ها را بر در و دیوار اتاقشان زده‌اند و از مخاطبان پرو پاقرص صفحه‌شان در شبکه‌های اجتماعی هستند، چه شد که به اینجا رسیدیم.

این موضوع عجیبی نیست و اتفاقی است که در همه دنیا رخ می‌دهد؛ اما موضوع مهم این است که این سلبریتی‌ها چه کسانی هستند که حالا تبدیل به الگوی فرزندان ما شده‌اند. در واقع واژه سلبریتی به معنای ستاره یا کسی که در یک رشته خاص مانند ورزش، موسیقی، بازیگری، طراحی و... شاخص است و عده‌ای به او علاقه‌مند هستند و دوستش دارند. البته که در تعریف سلبریتی امروز، بهتر است به دو واژه

خانواده

یادگیری الفبای نوجوانان نیاز مبرم والدین عصر جدید

نسل z متفاوت‌ترین انسان‌های تاریخ ایران



که در این راستا لازم است والدین علم و آگاهی خود را به‌روز کنند.

شریفی‌یزدی با ابراز اینکه الفبای والدین و فرزندان به‌دلیل وجود فضای دیجیتال با یکدیگر فرق کرده گف‌ت؛ در این راستا والدین باید برای رسیدن به یک زبان مشترک با نسل جدید، علم و آگاهی خود را افزایش دهند.

وی توصیه کرد: والدین از روش‌های سنتی نخ‌نما همانند نصیحت، سرزنش، محدودسازی دست بردارند و ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی را با زبان خود نوجوانان که شامل هنر و ورزش است به‌صورت غیر مستقیم به آن‌ها بیاموزند.
این روان‌شناس با بیان اینکه نوجوانی دورانی است که هیجانات بر عقل و منطق غلبه می‌کند،

نسل z جوان نمی‌دهد، خاطرنشان کرد: به همین دلیل لازم است والدین زبان گفت‌وگو و تعامل با آن‌ها را آموخته و درک‌شان کنند.

وی با بیان اینکه به دلیل اینکه بین والدین و فرزندان فاصله بسیاری وجود دارد و حرف یکدیگر را متوجه نمی‌شوند، اذعان کرد: نوع پوشش، حرف زدن و خواسته‌های آن‌ها بسیار متفاوت است و این حجم از شکاف میان‌نسلی نگران‌کننده است.

این روان‌شناس اجتماعی با بیان اینکه لازم است والدین بدون قضاوت دنیای فرزندان خود را بشناسند، خاطرنشان کرد: در بسیاری موارد کودکان بسیار جلوتر از پدر و مادر حرکت می‌کنند

با نوجوان سلبریتی‌زده‌مان چه کنیم؟

اینطور که معلوم است، نوجوان‌های جامعه ما، قهرمان بودن را با معروف و شناخته شده بودن اشتباه گرفته‌اند؛ در صورتی که هرکسی می‌تواند با رفتارهای نامعقول معروف شود اما قهرمان نه! در حالی که اگر قهرمان‌های واقعی را به‌عنوان الگوی جذاب به نسل نوجوان معرفی کنیم، نیاز به سلبریتی در جامعه روز به روز کمتر می‌شود.

اما یکی دیگر از دغدغه‌های مهم این روزها این است که خود این نوجوان‌ها دلشان می‌خواهد سلبریتی شوند. شروع به بلاگری در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. سعی می‌کنند تولید محتوا داشته باشند اما چون راهنمای درستی ندارند و از همین افراد الگوبرداری می‌کنند شاهد بخش محتواهای نامناسب از آن‌ها در فضای مجازی هستیم تا جایی که برخی از خانواده‌های آن‌ها از این محتواها ابراز شرمساری می‌کنند و حتی باعث قطع رابطه آن‌ها با اطرافیانشان می‌شود چراکه دیگران این انگ را به آن‌ها می‌زنند که شما نوجوانان را رها و در تربیت او کوتاهی کرده‌اید.

چیزی که در سلبریتی‌ها برای نوجوان‌ها خیلی جذاب است، برتری‌شان است؛ برتری‌هایی که به واسطه دیده شدن بدست آورده‌اند. در این در حالی است که ماهیت تکاملی انسان قائل به برابری است. اما زمانی که با نابرابری روبرو می‌شویم، نیاز به برتری‌جویی در وجود انسان شکل می‌گیرد. در واقع آن دسته از نوجوان‌هایی که تمایل به سلبریتی شدن دارند و از سلبریتی‌های امروز فضای مجازی تقلید می‌کنند، این نابرابری را در خانواده و جامعه احساس کرده‌اند و سبک زندگی خودش را بر اساس برتری‌جویی پیش می‌برد. همه این رفتارها برای بیشتر دیده شدن است که از ویژگی‌های دوره نوجوانی است اما این احساس نیز باید در مسیر درست خود قرار بگیرد. گاهی همین تولید محتواها برای آینده نوجوان یک خانواده می‌تواند پیامدهای بسیار منفی داشته باشد.

آقای دکتر به‌نظر شما علاقه به سلبریتی‌ها و حتی سلبریتی شدن می‌تواند با

انظر اینکه افراد به‌جای ازدواج، تشکیل خانواده، فرزندآوری و دوام و بقای خانواده به این پدیده روی می‌آورند، اثرات منفی دارد و خانواده را ضعیف می‌کند و تبعات آن مورد توجه فرد است.
گاه افراد برای نمایش امروزی و مدرن بودنشان از حیوانات نگهداری می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند نشان دهند در قیدوبند باورها و اعتقادات سنتی نیستند و به‌نوعی دهن‌کجی به آن عقاید می‌کنند؛ مانند چیزی که اکنون در مورد حجاب در کشورمان شاهد هستیم. همچنین الگوبرداری از جوامع غربی و فروریختگی ارزش‌ها و هنجارها از دیگر عوامل مؤثر گسترش نگهداری حیوانات بوده، در کنار آن امتناع از فرزندآوری نیز

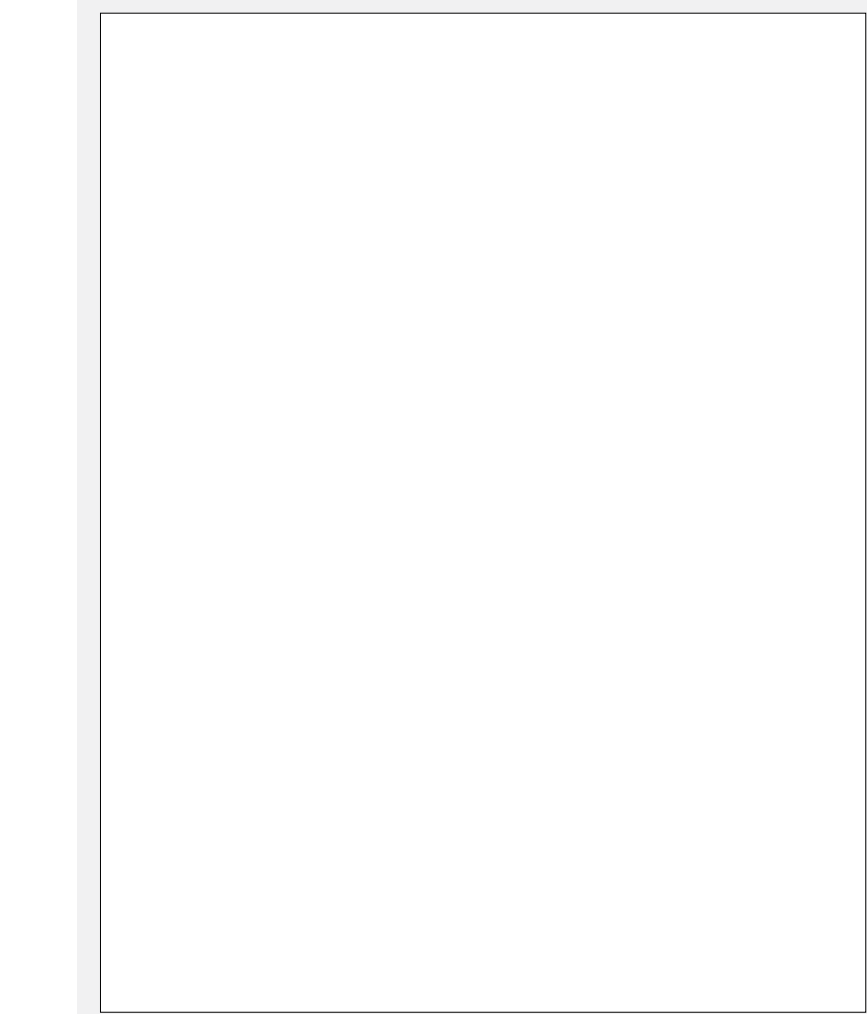
و ظرفیت‌های دامپزشکی جامعه ما می‌شود، اما



مطرح بود، «نیل پستمَن»). جامعه‌شناس آمریکایی در اثر خود، نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی (نقش تلویزیون در ربودن گوهر طفولیت از زندگی انسان) مفهوم «زوال کودکی» را ابداع کرد. او در این اثر معتقد است که صنعت چاپ و رسانه‌های نوشتاری موجب بیداری و مورد توجه قرار گرفتن مقوله «کودکی» در غرب گردید.

در مقابل، ظهور رسانه‌های تصویری باعث زوال و انقراض پرشتاب این دوران شده است؛ زوالی که به موجب گسترش افسارگسیخته وسایل ارتباط جمعی و متأسفانه تکرار تجربه نافرجام غرب، یعنی عدم کنترل و نظارت بر دنیای کودکان در مقابل دنیای ناشناس فناوری، سبب آسیب‌های گسترده‌ای چون تبدیل بازی‌های کودکانه نشاط‌آور و بی‌تکلف به بازی‌های خشن و جنگی؛ آگاهی زودهنگام کودکان از اسرار دنیای بزرگ‌تراها و مناسبات اختصاصی شرایط بزرگ‌سالی که از نتایج آن پایین آمدن روزافزون سن بزهکاری و رنگ باختن ارزش‌های اخلاقی در میان کودکان و نوجوانان است.

شکاف نسل‌ها و در نتیجه آن کاهش میزان گفت‌وگو بین اعضای خانواده؛ از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر آن‌ها؛ تغییر مشهود طراحی لباس کودکان که به‌روزی به پوشش بزرگ‌سالان نزدیک‌تر می‌شود و به خصوص در مورد دختران خردسال که به لحاظ جسمی فاصله بسیاری تا بلوغ دارند، شکلی زننده دارد و به طور کلی، بیگانه با معصومیت ویژه دوران پاک کودکی است و بسیاری عوارض و نتایج غم‌انگیز دیگر که می‌توان آن را در «بلوغ زودرس» خلاصه کرد.



پدیده‌هایی به‌دیم، یعنی آن‌ها آنقدر اعتماد به‌نفس و عزت نفس ندارند که دل‌شان برای داشته‌های سلبریتی‌ها لرزد و تسلیم نشوند. متأسفانه باید بگویم که در برخی مواقع، نوع تربیت ما به سمتی می‌رود که انگار خودمان هم دهمان نمی‌آید که فرزندهمان معروف شود و خب چه فضایی بهتر از فضای مجازی که عرصه بدست آوردن چنین موقعیت‌هایی است. اما هنوز هم دیر نیست و بهتر است که با اغنا کردن آن‌ها در خانواده و معرفی قهرمان‌های ارزشمند، مسیر بهتری از حیوانات کمتر شدن بدون هیچ دانش و اندوخته‌ای، پیش پایشان بگذاریم.
نرگس خاتعلی‌زاده

فرد خوشبخت‌تر است. طبیعتاً چنین جامعه‌ای نیاز به سلبریتی دارد و خودمان با دستان خودمان، افرادی را بزرگ می‌کنیم که به ما افکار و سبک زندگی ما ضربه می‌زنند!
واقعیت این است که سلبریتی‌های امروز جامعه ما، دانش کافی ندارند و پیام‌های اشتباه به مخاطبانشان می‌دهند. اما مخاطبانشان چه کسانی هستند؟ اکثراً نوجوان‌هایی هستند که در حساس‌ترین دوره از زندگی‌شان به سر می‌برند و کوچک‌ترین اطلاعات غلطی، می‌تواند آن‌ها را به گمراهی برساند. به نظر می‌رسد که ما تا به امروز توانسته‌ایم آموزش درستی به نوجوان‌هایمان برای مقابله جدی با چنین

مؤثر است؛ زیرا ما جوانان جامعه را مسئولیت‌پذیر تربیت نکرده‌ایم و توانایی مسئولیت‌پذیری فرزند را ندارند.

مسئله جوانی جمعیت و فرزندآوری حتی از جانب رهبر معظم انقلاب تأکید شد. اما موضوع باروری به ذهنیت جوانان بستگی دارد. یعنی ذهنیت جوانان تغییر کرده است، با توجه به اینکه ازدواج در جامعه ما با مشکل روبه‌رو شده و افراد سرگرمی دیگری ندارند، چنین سبک زندگی جایگزین آن شده است. جوانان آینده روشنی برای فرزندانشان نمی‌بینند، به همین دلیل از فرزندآوری امتناع می‌کنند، بنابراین برای پُر کردن این خلأ به حیوانات خانگی روی می‌آورند.

دنیای امروز، دنیای تنهایی و بی‌هویتی است و افراد یکدیگر را نمی‌شناسند. دنیای ما دنیای همدلی و همگرایی نیست و مردم مصلحت‌گرا شده‌اند. به همین دلیل، افراد تنها شده‌اند و برای رهایی از این تنهایی به حیوانات رو می‌آورند.

افرادی که از حیوانات نگهداری می‌کنند با دیگران بیگانه‌اند، چراکه دنیایشان با شما فرق دارد. البته این بخش تأثیر بسیاری از سبک زندگی سلبریتی‌ها و اینستاگرام گرفته است.

نمی‌توان انکار کرد که سبک زندگی مدام تغییر می‌کند، رهبر معظم انقلاب فرمودند فناوری، فرهنگ می‌آورد، سبک زندگی و رفتار می‌آورد، اشراف‌گرایی می‌آورد. جامعه یک جامعه صنعتی و درحال تغییر است، جامعه‌ای که زنده بوده، تغییر می‌کند. این جبر زندگی است و نمی‌توان کاری کرد؛ نمی‌توان امید داشت نگهداری از حیوانات کمتر شود، چون سبک زندگی درحال تغییر است و شما نمی‌توانید با جامعه مبارزه کنید. باید جوانان ما به بقای جامعه و خانواده بیندیشند و آینده‌نگر باشند. خانواده‌ای که فرزند ندارد، دوام و بقایش بر معرض خطر است و فرزندآوری، ازدواج را موفق می‌کند.

امان‌الله قرائی‌مقدم

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه